در اتاق سه‌شنبه‌های «شرق»، کارشناسان درباره جایگاه کنشگری مدنی در بحران آب گفتند

در زمین بازی حکمرانی، جایی برای کنشگران وجود ندارد

شرق: در هفته‌ای که گذشت، کلاب‌هاوس سه‌شنبه‌های «شرق» برای سومین بار به بحران آب در کشور پرداخت. این برنامه با موضوع نقش و جایگاه کنشگری مدنی در بحران آب، میزبان محمد فاضلی، جامعه‌شناس و رئیس سابق مرکز امور اجتماعی منابع آب و انرژی، محمدحسین عمادی، سفیر و نماینده سابق ایران در سازمان خواربار و کشاورزی، محمد درویش، کنشگر محیط زیست و کامران داوری، عضو هیئت علمی گروه مهندسی آب دانشگاه فردوسی مشهد بود. در ابتدای این برنامه، دکتر فاضلی با بیان اینکه کنشگری در نسبت با مسئله آب از آن جهت ضروری است که آب یک مسئله بین‌بخشی است که همه عناصر حیات اجتماعی را در بر می‌گیرد، تصریح کرد: «یعنی شما ذی‌نفعان متعدد دارید؛ کشاورز، صنعتگر، آب شرب شهری، حکومت و هر چیز حیات وابسته به این بخش است. هر فعالیت اقتصادی؛ یعنی وقتی می‌گوییم بخش صنعت یعنی خود این بخش صنعت هم کم‌آب‌بر دارد، هم پرآب‌بر دارد و منافع متفاوت. در بخش کشاورزی هم به همین‌ترتیب. شما محصولات پرآب‌بر دارید و کم‌آب‌بر دارید. در بخش‌های مختلف، مسئله محلی است و از آن جهت که کنشگران بسیار زیادی دارد و این کنشگران منافع متضاد و متعارضی دارند و هرکدام‌شان به نحوی وابسته به یک مسیر تاریخی هم هستند؛ یعنی کشاورزی ماحصل یک روند تاریخی است و این میزان آب‌بری امروز؛ ۶۰-۷۰ ساله از صنعت ما هم به همین‌ترتیب و هرکدام از اینها هم به عرصه‌های دیگر فعالیت انسانی ارتباط دارند». فاضلی تصریح کرد: «بنابراین آب مثل ماده‌ای که در همه این عرصه‌ها حیات است و منافع متعارضی را پیش می‌برد، نیازمند این است که به بین همه ذی‌نفعان تعامل خلق شده‌ای وجود داشته باشد، برای اینکه بتوانند منافع‌شان را تعریف کنند». برای اینکه بتوانند با راهکارهایی برای بروزرفت از وضع فعلی فکر بکنند، برای اینکه ابعاد مختلف مسئله بدخیم است و نه در متن بین‌المللی و در این هم آدم‌های مختلفی از جمله خود نوشیم که مسئله آب با نام ویژگی‌هایش یک مسئله بدخیم است و آن چیزی که در همین دوره نزدیکه مسئله آب داریم. این است که مسئله آب را می‌شود با رویکرد؛ همه با هم؛ یا به اصطلاح انگلیسی که «all together approach» می‌گویند. حل کرد؛ بنابراین کنشگری هم در دو بخش تسهیل گفت‌وگو و هم در بخش همکاری بین ذی‌نفعان عنصر ضروری مسئله آب است.

مقطع بحرانی ورشکستگی آبی

محمد درویش کنشگر محیط زیست گفت: «حقیقت ماجرا این است که ما در یک مقطع بسیار بحرانی قرار داریم. از نظر اندوخته‌های آبی‌مان کشور ما در آستانه ورشکستگی اکولوژیکی از منظر منابع آبی‌اش و سفره‌های آب زیرزمینی‌اش هست و این مسئله در واقع حاصل یک سال و دو سال و ۱۰ سال هم نیست؛ بلکه دست‌کم طبق آمارها از ۱۳۴۵ دشت‌های ممنوعه در کشور اعلام شده، واکنش‌های جدی نسبت به این ماجرا وجود داشته و پدیده فروشنست که الان ما با آن عمیقا درگیر هستیم، دست‌کم پدیده‌ای است که برای وقوع آن ۳۰ سال زمان لازم دارد و شگفت‌آور است که ما به چنین جایی رسیدیم و دلیل آن را من به این خاطر می‌دانم که اصول‌ما در این حوزه (در حوزه مدیریت آب) به نحوی رفتار شده که نقش مردم بسیار بسیار کم‌رنگ باشد. مردم (ذی‌نفعان) اصولا احساس نمی‌کنند که در فرایند مدیریت دیده شده‌اند. تلاش‌هایی هم که به صورت پراکنده اتفاق افتاده، عملا اجازه ندادند که رشد بکند. نمونه آن همین ستادی بود که خود آقای دکتر فاضلی بعد از مدت‌ها در دولت دوم حسن روحانی در وزارت نیرو شکل داد و بعد از رفتن ایشان، خود آن ستاد هم منحل شد و این نشان‌دهنده این است که اعتقادی هم در دولت نسبت به ماجرای مشارکت معنی‌دار مردم برای حل مشکل آب وجود ندارد و به‌همین‌خاطر این دو تا نهاد بسیار مهم یعنی دولت و مردم در این حوزه نمی‌توانند با همدیگر گفت‌وگو کنند». سخنران بعدی این برنامه دکتر عمادی بود. او با بیان اینکه من فکر می‌کنم بحث آب از اینکه یک پدیده بحرانی است و سطح بحران آن هم به حد ورشکستگی یا مرز آشوب دارد پیش می‌رود، شکی نیست، بیان کرد: «اما اگر این بحران را تحلیل محتوایی و در واقع ماهیتی کنیم، با یک نگرش سیستمی در واقع باید گفت که حکمرانی، مردم و منابع، سه ضلع قطعی مدیریت پایدار منابع به‌خصوص آب هستند و آب در این منابع بالاخره همان‌طور که عزیزان هم عرض کردند، نقش محوری و حیاتی دارد؛ چون حیات بشریت و ادامه حیات بشریت روی کره زمین به این موضوع بستگی دارد؛ حالا چه در سطح ملی، چه در سطح محلی و چه در سطح جامعه. اگر بخواهیم این سه سطح/ سه عنصر/ سه زاویه این بالانس را که حکمرانی و مردم و منابع و آب باشد، مثال بزنیم و تحلیلی کنیم، چیزی که مسلم است، این است که ما در واقع به محورهایی احتیاج داریم که نقش مرم را با حکمرانی و منابع مرتبط کنند که این عمدتا نهادهایی است که ایجاد روابط بین مردم و بین حکمران می‌کنند؛ یعنی بین جامعه محلی و در واقع masses/توده با حکمران و حاکمیت. این اهرم‌ها و این بازیگرانی که می‌توانند این نقش را در این مثلث بازی کنند، دامنه وسیعی است». او در ادامه افزود: «در مسئله آب به شکل سنتی به‌خصوص در حوزه کشاورزی که بیشترین مصرف آب را به‌خصوص در منطقه ما نیز یعنی آفریقا منطقه خاورمیانه دارد، می‌شود گفت نهادهای حکمرانی محلی این کار را انجام می‌دادند و مردم محلی و نهادهای محلی، اما با تغییر و تحولات نیم‌قرن اخیر که در حوزه تکنولوژی و حکمرانی و شیوه مردم‌داری/حکومت‌داری ایجاد شده و در واقع تجدد/مدرنیسمی که آمده، این رابطه را به طور جدی مورد چالش قرار داده است و ما در واقع شاهد/شاهد نظر حضور مردم و نمایندگی مردم در قالب نهادهای محلی که از حکمرانی محلی، نهادهای مردمی، گروه آبیاری و شبکه‌های مختلفی که ما به طور سنتی شاهد/ما و حدما سال داشتیم و هنوز هم در برخی از جهان وجود دارد و حتی در کشورهای جنوبی و افغانستان هست در واقع این نهادها نادیده گرفته شدند. هم ایجاد حقوقی و قانونی‌شان و هم ایفای نقش‌شان اینها. در واقع این کیست باعث شد آن مثلث که البته یکی از دلایلش حاست. این مثلث ارتباط دولت، مردم و منابع از بین بود. البته آن قانون ملی‌شدن تاثیر داشته. قبل مردم در قالب دولت‌های مدرن تاثیر داشته و تکنولوژی تاثیر داشته؛ اما یکی از زوایایی هم که باعث شد این بالانس به هم بخورد این بحران به وجود بیاید، نبودن حضوری فاعل تلکه و درواقع

مردمی است که یک‌ای‌اش همان‌طور که اشاره کردید، نهادهای مدنی است، ولی به اعتقاد من که حالا بحد اشاره خواهم کرد، ما بیشتر از خلا در وجود حکمرانی محلی رخ می‌بریم به‌ویژه در حوزه کشاورزی و جوامع روستایی و متاسفانه در این فرایند تجدد هم اینها بازسازی و نوسازی نشدند و نهادهای جدیدی را ایجاد نکردیم که ریشه و پایه‌ای است برای اینکه بتوانند این مردم با حاکمیت و حکمرانی نمایندگی کنند تا بتواند آن عدالت اجتماعی را که باید ایجاد کند و نقش مورد نظر را در آن برنگرتی کند، نداشته است. من سعی می‌کنم در فرصت‌های بعدی این را یک مقدار بازکنم به‌خصوص با تکیه بر ابعاد کشاورزی البته با تجربه بقیه کشورها در این بحث. چهار دهه گذشته که شاهد بودیم که از نظر رشته‌ای و هم موضوع کاری و هم تجارب خارج از ایران درگیر این قضیه بودم و هم بحث حکمرانی محلی.

حکمرانان و کنشگران

در ادامه این نشست احسان داوری دبیر دفتر دریاکردن کنشگری مدنی با حوزه آب بیان کرد: «بین سالهای ۸۸ تا ۹۱ پروژه‌ای را در خراسان جنوبی» انجام دادیم و شورایی را به‌عنوان شورای موقت سیاست‌گذاری استان برای مباحث آب شکل دادیم که حدود ۶۰-۷۰ عضو داشت که ۳۷ عضو آن کشاورزهایی بودند که از شهرهای مختلف به بیرجند می‌آمدند و جلسات عمدتا گمیته‌ای و بعد جلسات اصلی که جلسه عمومی را تشکیل برگزار شد. انجام شد و درنهایت به یک چشم‌انداز، راهبردها و مسائلی رسیدیم را دیده‌ایم کنشگر. در آنجا دیر یکی از جلسات تاسیسان بود، کشاورزانی از شهرستان بشرویه و سلط جلسه با ناراحتی دست بلند کردند و ابراز کردند که ما الان از سرحرکت راه افتادیم از بشرویه و آمدیم. درواقع آب بشرویه چند ساتی‌متر بیشتر داشت. بشرویه آن زمان و الان دقیق نمی‌دانم/ولی حتما همان مقدار. ساتی دو متر آب زیرزمینی‌اش پایین می‌رفت. سوال و جواب کردیم و بعد مطلوم شد در آنجا در آن زمان ۲۱۷ حلقه چاه داشتند و معلوم شد که خب مشخصا اعلام‌دردلست دارند دیگر. گفته شد که باید به هر حال مدیریت کشور و برداشت‌ها را کاهش دهیم تا اینکه اعم اصلاح شود. اینها رفتند در جلسات بعدی که درواقع جلسه کمیته‌ای بود و در چهار کشاورزی برگزار می‌شد. آمدند و گفتند ما محدود ۱۷۰ تا از کشاورزان صاحب چاه را دعوت کردیم و صحبت کردیم و درواقع همه آنها تعهد کردند و قبول کردند که هر چقدر لازم باشد، برداشت‌های‌شان را کاهش دهند که آب دیگر پایین نرود؛ ولی یک شرط دارند؛ شرط‌شان این است که از این ساعت به بعد که این اتفاق بیفتد، درواقع دیگر کسی آب به کسی ندهد و مجوزها همین‌هایی باشد که تا حالا صادر شده است و بیش‌ازاین آب در اختیار کسی قرار داده نشود. جالب بود در آن جلسه که دو تا از معاونان آبفا و آب منطقه‌ای در جلسه بودند. جلسه در محل دفتر مدیر محترم وقت جهاد کشاورزی برگزار می‌شد. اینها هر دو شرط آن کشاورزان را قبول کردند؛ یعنی مدیر آبفا گفت بشنویه همه کشاورز هستند و آب را از خودشان دریغ نمی‌کنند و آب منطقه‌ای قبول کرد؛ ولی جهاد در آن زمان قبول نکرد به خاطر اینکه می‌گفت ما مجتمع‌های تولیدی داریم و در واقع باید این منابع آب به آنها اختصاص داده شود. حالا منظورم از اینکه گفتم این بود که در تجاری که من در خراسان جنوبی و خراسان شمالی داشتم، کشاورزان چزر گروهی هستند که بسار سریع حاضر هستند که می‌آیند بشنوند و بسیار همراهی می‌کنند و فقط شرط‌شان همین است که وقتی از آنها آب می‌شود، گفته شود که خودش تاسیرکرد کرد. در برجن آب برای مزرعه‌ای که از نزدیکان با تورچشمی‌هایش یا کروه‌های خاص تاسیس شده، گفت کشاورز، رقب آب برگرد و بهداشت و رقب حسب می‌شود. ما در اینجا شاهد پدیده بسیر از حد حکومت‌گری هستیم و حکومت‌گری‌ای که رقب آب‌بر ان شده و به جای اینکه یک زمین مسطحی در ساختار دنیای ایجاد بکند که دادمای حکومت‌گری را در اختیار آب‌بران قرار بدهد، آنها را در یک مدیل بی‌المللی حمایت بکند و دانش‌ش را افزایش بدهد و درواقع ایجاد کند که یک بنگاه کشاورزی تاسیس شود، حتی اگر زمین یک جایگزار بیشتر نیست.

درادامه فاضلی با اشاره به یک مطالعه انجام‌شده گفت: «بکداربد من از یک مطالعه شروع کنم. قاق مهدی رفعتی‌نیا مهرآبادی کاری انجام داده و کتابی تحت عنوان «توسعه و تخریب» دارد و عنوان فرعی آن «بررسی سیاست‌های مدیریتی دولت ایران در برنامه‌های عمرانی سال ۱۳۲۷ تا ۱۳۵۷» هست. این‌ایمد آدم ۳۱ سال برنامه‌ریزی عمرانی، برنامه‌های اول تا پنجم توسعه قبل از انقلاب را از منظر سیاست محیط زیست بررسی کرده است. کار بسیار ارزشمندی کرده است که شاید نادر هم باشد. استدلال آقای رفعتی‌نیا در آخر این کتاب این است که یک مفهومی داریم که به‌نهایت مفهوم کاربردی در این عرصه است. می‌گوید حکومت شاه جزء حکومت‌گری بیش از حد شد. حکومت‌گری بیش از حد بعضی اینکه شما تصور می‌کنید که می‌توانید به جای مردم بنشینید، می‌توانید به جای همه سازوکارهای ناظر بر انگیزه‌های مردم بنشینید و یا بلیس‌بازی و نیروی انتظامی و قواعد و مقررات و با زدودن حس تحلق یعنی وقتی حکومتی بیش از حد حکومت می‌کند و بیش از حد به قدرتش متکی می‌شود، حتی آن انگیزه‌های وقتی مبهنی را رهم از افراد می‌گیرد». او تصریح کرد: «در مقوله محیط زیست شما باید بدانید که مابحث محیط‌زیستی اینه از آب‌خوان، جنگل، مابقی، رودخانه، منابع و اینها همین منابع عمومی مشترک هستند؛ منابع مشترک در اینجا وقتی حفظ می‌شود که همکان نسبت به آن احساس تعلق داشته باشند و برایشان قواعد مالکیت جمعی که به معنای سوسیالیستی‌ها نیست، بلکه قواعد مالکیت جمعی‌اش که در قالب Governance جمعی یعنی حکمرانی جمعی وجود داشته باشد و سرمایه اجتماعی و اعتمادی که بین کنشگران وجود داشته باشد، بتواند شکل بگیرد

شما باید بدانید که منابع محیط‌زیستی اعم/آب‌خوان، جنگل، مابقی، رودخانه، مرتع و اینها همه‌شان منابع عمومی مشترک هستند؛ منابع مشترک در اصل وقتی حفظ می‌شوند که همکان نسبت به آن احساس تعلق داشته باشند و برایشان قواعد مالکیت جمعی به معنای سوسیالیستی‌ها نیست، بلکه قواعد مالکیت جمعی‌اش که در اصل Governance جمعی یعنی حکمرانی جمعی وجود داشته باشد و سرمایه اجتماعی و اعتمادی که بین کنشگران وجود داشته باشد، بتواند شکل بگیرد

کشاورزان و قاندران در نامقطه اجازه حفر حتی یک موتورپمپ را نداده‌اند و این همسنگی‌شان باعث شده که بتوانند تاآوری سرزمین‌شان را حفظ کنند». درویش تصریح کرد: «حر جایی که ما اجازه دهیم مردم قابلیت احساس کنند در قدرت مشارکت بدند می‌شوند. توانسته‌ایم رکه‌هایی از موفقیت را بیینیم. مشارکت مردم در بالقات توانسته از اقتراض کمتزیل جلوگیری کند، مردم در الکن در محروم‌ترین منطقه کهگیلویه‌وبویراحمد توانسته بزرگ‌ترین منطقه حفاظت‌شده مردمی را شکل بدهند با وجود کارشکنی‌های بسیار زیاد. خودشان با یکدیگر همبسته بودند. من دو هفته پیش در کلمسر در منطقه جنوب آباد استان کرمان در نزدیکی‌های کهنوج بودم که در این منطقه که مردم اصلا آب نداشتند، خودشان با همدیگر آمدند و انجمنی درست کردند و با تکنک شکارچی‌ها صحبت کردند. اسلحه‌ها را کنار گذاشتند، بیش از ۱۲ سال است که منطقه و افراد گروه‌داند که تعداد کله‌قرحه، قوچ‌ها، میش‌ها و کبک‌ها را از ۳۰ تا به بالای دو هزار تا رساندند. خرس سیاه قهوه‌ای و منطقه آب شیرین منطقه دوباره اجازه داده است و حالا آنجا دوباره درکنلفتی است که دمعن سیلیس بزنن و حالا همه مردم با وجود کشاورزی که ایجاد شده، آنها بهشان قول دادند که برای جوان‌هایشان استقبال ایجاد شده. جوانی که این فعالیت را گرفتند و جون خود این انجمن کلمرز به جز حال آدم‌های مختلف و همکاری و گسستن که سابقه حضور جدی در جنگ داشتند و رزمنده بودند و نقود داشتند. حاکمیت عقب‌نشینی کرده و اجازه داده اینها تا یک حدی فعالیت کنند». درویش همچنین برای اولین بار بازیگران تشکل‌های مردم‌نهاد سراسر کشور را دعوت کرد که با حق رای حضور پیدا کنند. خب بعد از ده‌ها جلسه و بحث‌های خیلی خیلی جدی‌ای که اتفاق افتاد، این دوستان توانستند برخی از نکاتی را که نمایندگان دولت در فصل محیط زیست حاضر به قبول آن نبودند، بگنجانند و درنهایت دستاورد تاریخی به دست آمد؛ اما بعد ما متوجه شدیم که اصلا فصل محیط زیست و همه آن تلاش‌هایی که انجام شده بود، در نسخه دیگری از سوی دولت ارائه شد و درواقع سبب سرشکستگی و ناامیدی شدید کنشگران حوزه محیط زیست، منابع طبیعی و آب را در همان مقطع فراهم کرد. ما تلاش کردیم در کمیته‌های توسعه که در استان‌ها شکل می‌گیرد، دست‌کم یک نماینده از تشکل‌های مردم‌نهاد آن استان با حق رأی حضور داشته باشد و درواقع توانستیم دستور رئیس‌جمهور را برای این ماجرا بگیریم که حتما الزام دارد استانداردها از نمایندگان تشکل‌های مردم‌نهاد برای تصمیم‌گیری‌هایشان در کمیته‌های توسعه بهره‌مند بشوند؛ اما بلافاصله بعد از تمام‌شدن جلسه دولت اول حسن روحانی و رفتن مقصومه اسفارند و آمدن عیسی کلانتری این مسئله لگن لم یکن تلقی شد و مجدد از اجرای حق باطل شد!» دقت کنید که دولت جدید دولت است. همان جناح است. همان فکر است و در واقع کودتایی اتفاق نیفتاده یا اصطلاحشان دولت و اصولگرا هایند؛ ولی باز ما با چنین فاجعه‌ای روبه‌رو بودیم». فاضلی بیان کرد: «اینها همه سبب می‌شود اعتماد ملی نسبت به رفتارهای حاکمیت کم بشود. الان ما داریم در شرایطی با هم صحبت می‌کنیم که به‌شدت ضریب نفوذ فعالیت‌های دولتی در بین مردم کاهش پیدا کرده است و مردم نسبت به طرح‌ها و پروژه‌های دولتی ناامید و بی‌اعتماد هستند و حتی تصمیم اخیر تحسین‌برانگیز دولت و اصولگرا هایند؛ قصد دارد ۱۰ هزار مکاوات برق را در طول چهار سال اینده تولید بکند. در واقع بدست در فضای بدبینی مطرح می‌شود و تنظیم می‌کند که صرفه‌جویی در منابع می‌بینم که نسبت به این قضیه از خطا و خبیثی بیرو باید و نگاه کند. هر جایی که اتفاق منفی در این مدت شاهدش بودیم، افتاده، نشانی از این بوده که نگاه‌های امنیتی روی فعالیت تشکل‌های مردم‌نهاد که بوده است». آیا به صورت منطقه‌ای، همان‌طور که آقای دکتر عمادی اشاره کردند، توانستند قواعدی برای محلی باشند. شما می‌بینید که به جرئت می‌توانم بگویم تنها منطقه ایران که سیستم کاریزها و قنات‌های آن کاملا فعال است و درواقع تمام مشکلاتی که دیگر کشاورزان در دیگر مناطق ایران دارند در اینجا ندارند، به است که بهترین کشتزارها و نخلستان‌های ایران در اینجا وجود دارد و دلیل آن این است که مردم، اجازه قدرتمند کشاورزان و قاندران را در منطقه اجازه حفر حتی یک موتورپمپ را نداده‌اند و این همسنگی‌شان باعث شده که بتوانند تاآوری سرزمین‌شان را حفظ کنند». درویش تصریح کرد: «حر جایی که ما اجازه دهیم مردم قابلیت احساس کنند در قدرت مشارکت بدند می‌شوند. توانسته‌ایم رکه‌هایی از موفقیت را بیینیم. مشارکت مردم در بالقات توانسته از اقتراض کمتزیل جلوگیری کند، مردم در الکن در محروم‌ترین منطقه کهگیلویه‌وبویراحمد توانسته بزرگ‌ترین منطقه حفاظت‌شده مردمی را شکل بدهند با وجود کارشکنی‌های بسیار زیاد. خودشان با یکدیگر همبسته بودند. من دو هفته پیش در کلمسر در منطقه جنوب آباد استان کرمان در نزدیکی‌های کهنوج بودم که در این منطقه که مردم اصلا آب نداشتند، خودشان با همدیگر آمدند و انجمنی درست کردند و با تکنک شکارچی‌ها صحبت کردند. اسلحه‌ها را کنار گذاشتند، بیش از ۱۲ سال است که منطقه و افراد گروه‌داند که تعداد کله‌قرحه، قوچ‌ها، میش‌ها و کبک‌ها را از ۳۰ تا به بالای دو هزار تا رساندند. خرس سیاه قهوه‌ای و منطقه آب شیرین منطقه دوباره اجازه داده است و حالا آنجا دوباره دورکلفتی است که دمعن سیلیس بزنن و حالا همه مردم با وجود کشاورزی که ایجاد شده، آنها بهشان قول دادند که برای جوان‌هایشان استقبال ایجاد شده. جوانی که این فعالیت را گرفتند و جون خود این انجمن کلمرز به جز حال آدم‌های مختلف و همکاری و گسستن که سابقه حضور جدی در جنگ داشتند و رزمنده بودند و نقود داشتند. حاکمیت عقب‌نشینی کرده و اجازه داده اینها تا یک حدی فعالیت کنند». درویش همچنین برای اولین بار بازیگران تشکل‌های مردم‌نهاد سراسر کشور را دعوت کرد که با حق رای حضور پیدا کنند.

اصولا زمین بازی‌ای که حاکمیت دارد تعریف می‌کند، جایی برای بازیگری به نام کنشگران مدنی و مردم باقی نمی‌گذارد. وقتی یک بدر خاصیتی می‌گوید که خب اعضای خانواده‌ها به مازوی صاحب یک بچه می‌شویم و این بچه هم فرزند است. حالا شما بیایید درمورد آب هم به من مشورت بدهید. خب! بر خواندم از این بچه را تعیین کرد و این دیگر خیلی خیلی مشخص است که ما کجا هستیم

دولتی نیست! نهاد حکومتی نیست. مثلا فرض کنید چیزی تحت عنوان شوراهای هماهنگی حوضه آبریز یا شوراي حوضه آبریز، RBO .River basin organizations. RBOها. ببینید این RBOها علی‌القاعده و تا آنجا که من بررسی کردم، نهادهای مدرن هستند. ولی اینها نهادهای صرفا دولتی نیستند. یعنی ترکیبی از ذی‌نفعان هستند و تحت... یک چیزهای آنها مدرن است، بله! مثلا ابزارهای سنجش و داده‌های پایه‌ای، نوع مکانیسم‌هایی که بر آنها حاکم بوده است، مثلا ۲۰۰ سال پیش نداشتند. اما یک منطقی دارند. ببینید، مدرن‌بودن یا غیرمدرن‌بودن نهادها، سنتی‌بودن یا غیرسنتی‌بودن آنها، به نظر من اولویت نیست. یا مفهوم زمانی آنها ... منطق آنها مهم است. منطق نهاد، آیا این منطق این نهاد، منطق مشارکتی است؟ آیا منطق اجماعی است؟ آیا منطق یک منبع مشترک است، یک CPR است؟ آیا یک منطق ناظر بر احساس مالکیت و حکمرانی جمعی است؟ شما در قنات یک حکمرانی جمعی دارید. من از خانه پدربزرگم یادم هست که اواخر شهریور، کشاورزان جمع می‌شدند که قرعه‌کشی بکنند که نوبت آب چه کسی باشد».

اشتباهات کنشگران

در ادامه این نشست محمد درویش در پاسخ به این سؤال که خود کنشگران در جاهایی رفتارهایی را انجام می‌دهند و نظراتی را می‌دهند و حرف‌هایی را می‌زنند و کنش‌هایی را انجام می‌دهند که ناظر به آثار مثبت نیست و می‌تواند دچار (دارای) اشتباهاتی باشد که بعضا اشتباهات کوچکی هم نیستند. قضاوت و نظر شما درباره این قضیه چیست، به‌عنوان کسی که هم کنشگر بودید و هم در سازمان محیط زیست ناظر به این حوزه بوده‌اید و مسئولیت داشتید؟ گفت: «ما در حوزه کنشگری هم مشکلات و لکنت‌های جدی داریم. اما واقعیت این است که آیا کنشگری اجازه پیدا کرده است که در جامعه ما صیقل پیدا بکند؟ آیا ما برای این کنشگری فرصت ایجاد کردیم تا آنها در معرض بازخورد رفتارهای خودشان هم قرار بگیرند؟ وقتی که در کل نگاه حاکمیت نسبت به کنشگری مدنی نگاه تردیدآمیزی است. وقتی برخوردهای امنیتی شدید می‌شود، دیگر ما اصلا نمی‌توانیم وارد این حوزه بشویم که حالا نقش کنشگری چه بوده است؟ کنشگر خوب چه کسی است؟ کنشگر بد کیست؟ همه‌اش در حال جنگ هستیم. نکته بسیار تامل‌برانگیزی است که ایشان گفتند چرا یک‌دفعه مطالبات حوزه کنشگران مدنی درمورد سد کنوند، خاموش شد؟ چرا کسی دیگر پیگیری نکرد که خب این گزارش علاج‌بخشی سد کنوند، چرا اجرا نمی‌شود؟ چرا هیچ‌کس نمی‌آید یقه بی‌هاشمی را بگیرد که این گزارش به کجا رسید؟ درواقع وقتی ما به سمت انحصار بیشتر می‌رویم و تشدید نگاه امنیتی، مردم و کنشگری را به سمت وناندالیسم می‌بریم، به سمت بی‌تفاوتی می‌بریم و درنهایت همه در آنجا ضرر خواهیم کرد. الان این اتفاق افتاده است. وقتی برخی از فعالان محیط زیست به بهانه جاسوس‌بودن بازداشت شدند و آخر هم معلوم نشد که اتهام آنها چیست و هنوز هم معلوم نیست که چه هست و هیچ‌وقت هم این را شفاف اعلام نکردند. درواقع ما شاهد سقوط فعالیت‌های محیط‌زیستی به طور محسوس بودیم. یکی از این جوان‌ها به دفتر من آمد بود و می‌گفت آقای درویش من آخر هفته‌ها می‌رفتم رتبه جامع حی‌کردم، الان بدرم هم نمی‌خواهد که پروژ ریاله جمع بکنی. جمع بکنی. من دیگر با جاسوس محیط‌زیستی تو را اشتباه بگیرند!» یا دوستان ما که در پروژه زیبایی رسانه‌ایی به نهفته توان رفته بودند در استان سمنان، نزدیک رضاآباد، وقتی که محلی‌ها جلو آمدند و از آنها پرسیدند که شما به اینجا آمدید چه که چار کنید؟ آنها گفتند که برای پژوهش درباره بیزینگ اسلامی آمدیم و دوربین ته‌کبر می‌گذاریم. آنها گفتند آقان شما همان جاسوسان محیط‌زیستی هستید!؟ یعنی فعالان محیط‌زیستی که در این مملکت مبالغ آن‌جایی که نداشتند، یک مزلتی داشتند که با آن مزلت هم ما نیز کار را تجربه این اتفاقی است که افتاده است».

درویش تصریح کرد: «حرف اصلی من حکومت حرفم برای اینکه بحث را زیاد هم ادامه ندهیم این است که تا زمانی که برای حاکمیت یک‌سری از مسائل که متاسفانه این سری مسائل خیلی زیاد هم هست، مشکل ایجاد می‌کند، یعنی دو سوراد. متوجه کاملا این دوتا مخدوش است؛ یعنی یک وقت‌هایی می‌شود ادعاهایی منتشر می‌شود و حرف‌هایی زده می‌شود که آدم می‌بیند که بخشید این جزیهایی که درمورد امور نظامی گفتید، اینها در قسمت امنیتی محو می‌شود؟ نباید سری باشد؟! بعد از طرف هم مثلا یک کسی می‌گوید که آقا من داشتم رفتم سد کنوند رسیدم می‌کند و مثلا یقه‌اش را می‌گیرند! ببینید! رونویس‌دون اینهاست که آدم‌ها را تکلیف‌دار می‌کند و البته وقتی یک پروژکاری ۳۵-۳۰ سال در یک نظام دولتی، با این قواعد ناروش، درسایه دادمه‌ها و گزارش‌ها کار می‌کند. حب این در درونش نهادینه می‌شود. این موضوع خیلی به حیاتیس فرهنگی دیرینه ایرانیان برمی‌گردد. بالاخره دولت ۴۰-۳۰ سال در این سیستم دولتی با این خلقیات کار کرد، خب برای ما جای تعجب که با این دادمه‌ها باید این‌گونه برخورد کرد. این یک نکته بود. بنابراین من فکر می‌کنم که ما نگذاشتیم که کنشگری مدنی به‌صورت مستقل با یکبرد و نکنشاشیم که ظرفیت نفوذ اجتماعی این‌جی‌های محیط‌زیستی افزایش پیدا بکند. شما «جبهه سبز ایران»؛ را ببینید که در زمانی که به‌وجود آمد، یکی از شاخص‌ترین این‌جی‌های محیط‌زیستی بود. فقط در ایران یک‌دل که مثل منطقه خاورمیانه و آسیای جنوب غربی بود و چه اتفاقات درخشانی اتفاق هم می‌داد. ولی کاری با این جبهه سبز کردند که عملا متلاشی شد. بعد از اینکه جبهه سبز متلاشی آمد و جلوی اتوان‌سازی‌های شدید آنقای قالبیاف را در آن دوره در تهران گرفت، درواقع رفتند به سمت اینکه آن جبهه را از درون، با اختلاف‌نظرهای شدید نابود بکنند و این ترفندی است که وجود دارد. من مثال‌های زیادی را می‌توانم برای شما بزنم که در این‌جایی که ما آمد تولید شده، سرمایه‌گذاری کرده است. ولی آن سرمایه‌گذاری را در تولید دادمه‌های پایه منابع آب و آن بدن، در مصارف، که وضع مصرف به‌مراتب افتضاح‌تر از داستان سد کنوند است، انجام داده است که این را باید انجام بدهد». فاضلی با اشاره به نهادهای مدرن نیز گفت «اما درباره اینکه نهادهای مدرن به جای نهادهای سنتی نشستند، من حقیقتا از به کار بردن واژه مدرن درمورد اینها بسیار ناراحت هستم. یعنی نهاد مدرن به چه معناست؟ به این معنا است که در این دوران انتقال افتاده است؟ بله. ولی اینها از اصل نشستن همان دولتی است که می‌خواهد بیش از حد حکومت کند. اینها مدرن نیستند. اتفاق دکتر عمادی خودشان تجربه‌های مفصل، دده‌ها پیر در مارند. قواعدی می‌گوییم نهاد مدرن. اتفاقا در آنجا دارد مدرن، نهاد سنتی، نهاد دولتی، نهاد مدرن، نهاد سنتی، استاد دانشگاه تهران و متولی مطالعات علاج‌بخشی سد کنوند بود. او با بیان اینکه همین مشکل را ما در سد کنوند هم داشتیم، گفت: «زمانی که می‌خواستیم با کارفرما قرارداد ببندیم؛ کارفرما جزء شرح خدماتش پیشنهاد کرده بود که شما راهکارهایی را که ممکن است به‌عنوان راهکارهای برتر پیشنهاد دهید که بعدا مطالعات تکمیلی انجام بشود و آن راهکار نهایی انتخاب شود، بر مبنای یک‌سری معیارها باشد؛ معیارهای اقتصادی، فنی و زیست‌محیطی. یکی از معیارهایی که کارفرما جا انداخته بود، اجتماعی بود. ما یکی چالش داشتیم که همین مطلب را بتوانیم بیشتر خودمان اول بتوانیم جا بیندازیم و بعد البته خوشبختانه کارفرما دیگر مقاومتی نداشت؛ یعنی تا بتوانیم به آن نقطه برسیم. طول کشید و خب دیرهنگام هم به آن نقطه رسیدیم. من خودم به‌عنوان یک ناظر ضرور این از آن وزنی که به مطالعات اجتماعی داشت هم، به خاطر چند کمی که کار بودم (سه ماه) چندان راضی نبودم. اینقدر به ارتباط بحث شما با سد کنوند بتوانم چند جمله اضافه کنم. این است که فکر می‌کنم اصل بخشی از تعریف این پروژه مدیون کنشگران بود؛ هرچند این کنشگران در زمان قبل از سال ۹۳ که این مسئله به اوج می‌رسد، انجام نشد. بودند و هزینه‌هایی هم دادند. البته من در جریان نبودم. ولی از همکاران شنیدم که خب با این کنشگران برخوردهای امنیتی هم شده بود و اصلا شاید با بعضی پلاک‌وپلاک‌ها برخورد شده بود که شما جرا در پلاک‌هایتان درمورد خط سد کنوند می‌نویسید. ولی من حسم این است که ارائه‌کننده دولت یا حاکمیت و این نقطه بسیار مسئله که از نبض بیرون آمد، این است که ارائه‌کننده دولت و حاکمیت و نهادهای حاکمیتی که باید این مسئله را بررسی کنم و این را به‌عنوان یک مشکل بیندیرند؛ یعنی عنوان پروژه راهکارهای رفع مشکل شوری مخزن سد کنوند». وی، یعنی اینکه بیذیریم اصلا مشکلی وجود دارد که بخواهیم بررسی کنیم. خب به نظر می‌رسد نقش کنشگران درین جهت بود؛ هرچند ممکن است آن موقعی که آنها می‌خواستند به فرمایش جناب بُدافی جناب نوفرقند و درهیکلاس این اتفاق افتاد. الان هم فرق می‌کند اینکه اصلا کسی نمی‌داند نتیجه این مطالعات چه شد، نه فقط مطالعات تهران بلکه کسی نمی‌داند که تکلیف سد کنوند چه شده، باز بخشی از آن مربوط به این است که کنشگران کار رفتند یا ناامید شدند و یکجوری که است حتی از سازمان آب و برق خوزستان به‌عنوان مطلب آن در منطقه مشارکت داشته باشند. بنابراین یک زمانی اگر ما در دیالوگ‌هایمان با آب سیاه می‌روند تازه برای ما کشاورزی هم می‌کنند و سرپیچت می‌دهند می‌خوریم!».

مطالعات بی‌سرانجام

در ادامه، کلاب‌هاوس «شرق» میزبان دکتر بنی‌هاشمی، استاد دانشگاه تهران و متولی مطالعات علاج‌بخشی سد کنوند بود. او با بیان اینکه همین مشکل را ما در سد کنوند هم داشتیم، گفت: «زمانی که می‌خواستیم با کارفرما قرارداد ببندیم؛ کارفرما جزء شرح خدماتش پیشنهاد کرده بود که شما راهکارهایی را که ممکن است به‌عنوان راهکارهای برتر پیشنهاد دهید که بعدا مطالعات تکمیلی انجام بشود و آن راهکار نهایی انتخاب شود، بر مبنای یک‌سری معیارها باشد؛ معیارهای اقتصادی، فنی و زیست‌محیطی. یکی از معیارهایی که کارفرما جا انداخته بود، اجتماعی بود. ما یکی چالش داشتیم که همین مطلب را ب